

سنجش میزان برخورداری شهرستان‌های استان کهگیلویه و بویراحمد از شاخص‌های توسعه

سعید ملکی^{۱*}، زهرا سلطانی^۲، نعیم اکرامی^۳، احمد راشدی^۴

^۱استاد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه شهید چمران اهواز
^۲استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه شهید چمران اهواز
^۳کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه شهید چمران اهواز
^۴کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه شهید چمران اهواز
تاریخ دریافت: ۹۴/۵/۲۲؛ تاریخ پذیرش: ۹۵/۶/۱

چکیده

یکی از ارکان توسعه، جامع و یکپارچه بودن آن در رفع عدم تعادل‌های اقتصادی و اجتماعی مناطق است. وجود نابرابری و ابعاد مختلف آن از نشانه‌های مهم توسعه نیافتگی است که رفع چنین کمبودهایی مستلزم نگرش و توجه جدی به نحوه پراکندگی شاخص‌های توسعه در سطوح مختلف است. به منظور حل مسائل ناشی از عدم تعادل‌های منطقه‌ای، گام نخست، شناخت و سطح‌بندی مناطق از نظر برخورداری در زمینه‌های مختلف است. هدف این پژوهش، سنجش میزان برخورداری شهرستان‌های استان کهگیلویه و بویراحمد از شاخص‌های توسعه است. بر این اساس؛ در این پژوهش سعی شده است تا ۸ شهرستان این استان را بر اساس ۸ شاخص: آموزشی، فرهنگی- ورزشی، مذهبی، سیاسی- اداری، زیربنایی، بهداشتی- درمانی، بازرگانی- خدمات و حمل‌ونقل- ارتباطات، بر پایه سرشماری آماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ و سالنامه آماری سال ۱۳۹۲، با استفاده از مدل‌های تاکسونومی عددی و تاپسیس، سطح‌بندی و میزان درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌ها تعیین گردد. نوع پژوهش کاربردی- توسعه‌ای است روش گردآوری اطلاعات از نوع کتابخانه‌ای و برای تحلیل داده‌ها و ترسیم نقشه از نرم‌افزارهای Excel و Arc GIS استفاده شده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که؛ میزان توسعه در شهرستان‌های استان متعادل نیست و اختلاف قابل‌ملاحظه‌ای میان سطوح توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان وجود دارد؛ به طوری که از مجموع ۸ شهرستان این استان، ۲ شهرستان برخوردار، ۳ شهرستان نیمه برخوردار و ۳ شهرستان نیز در رده شهرستان‌های محروم قرار گرفته‌اند. بویراحمد به‌عنوان توسعه یافته‌ترین و لنده به‌عنوان محروم‌ترین شهرستان‌های استان کهگیلویه و بویراحمد محسوب گردیده‌اند. این نابرابری فضایی توسعه در شهرستان‌های استان به خاطر توزیع ناعادلانه شاخص‌های مختلف فرهنگی، زیربنایی، اقتصادی و... بوده است؛ که بهبود آن در شهرستان‌های محروم ضروری می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: توسعه، کهگیلویه و بویراحمد، شهرستان، تاکسونومی عددی، تاپسیس.

مقدمه و بیان مسئله

در جهان امروز مقوله توسعه، دغدغه خاطر بسیاری از کشورهاست (پور اصغر سنگاچین، ۱۳۹۱: ۶). بحث نابرابری توسعه در میان شهرها از موضوعاتی است که اخیراً در فرهنگ برنامه‌ریزی منطقه‌ای

مطرح شده است و هنوز در ایران جایگاه چندان مشخصی ندارد. نابرابری‌های توسعه‌ای که به دلایل متعددی نظیر دلایل تاریخی، طبیعی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و... ایجاد می‌شوند، رشد ناهمگون و نامتعادلی را میان نواحی به دنبال دارد (زیاری، ۱۳۸۹: ۱۸). وجود نابرابری و ابعاد مختلف آن، از نشانه‌های مهم توسعه‌نیافتگی است؛ زیرا در حقیقت

کشورهایی توسعه یافته شناخته می‌شوند که علاوه بر این که از شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی بالا برخوردارند، توزیع درآمدها و امکانات نیز در آن جوامع به نسبت عادلانه است، اما در کشورهای توسعه نیافته، هم مقادیر این شاخص‌ها بسیار پایین است و هم توزیع آن بسیار ناعادلانه است (یاسوری، ۱۳۸۸: ۲۲). در اکثر کشورهای در حال توسعه یک یا دو منطقه و در نهایت چند منطقه وضعیت مناسب خدمات عمومی و بالطبع شکوفایی اقتصادی، اجتماعی دارند و نقش عمده‌ای در ایجاد درآمد و تولید ملی ایفا می‌کنند. این امر به بهای عقب نگه داشتن مناطق دیگر و افزایش شکاف و نابرابری بین مناطق و نواحی است (لطفی و شعبانی، ۱۳۹۲: ۸). نابرابری‌های منطقه‌ای در تمام اشکال و سطوح آن‌ها می‌تواند پیامدهای ناگواری را به همراه داشته باشد (زنگی‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۳: ۸۴). در ایران سیاست‌های غیراصولی گذشته در مکان‌یابی‌های صنعتی و خدماتی در قطب‌های رشد و روند تمرکزگرایی در تک شهر مسلط و مادر شهر ناحیه‌ای موجبات اصلی این نابرابری‌ها بوده است. وجود این نابرابری‌ها سبب گردیده که شکاف توسعه بین نواحی توسعه یافته و محروم روزه روز بیشتر شده و عدالت اقتصادی و اجتماعی مفهوم خود را از دست بدهد و این وضعیت منجر به بروز مشکلات جدی نظیر مهاجرت از مناطق محروم به نواحی برخوردار و توسعه یافته تر شده است (تقوایی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۵۴). در فرایند برنامه‌ریزی توسعه، شناخت و تبیین سطوح توسعه یافتگی نواحی و آگاهی از نقاط قوت و ضعف آن‌ها اهمیت زیادی دارد (ضرابی و همکاران، ۱۳۹۱: ۴۶). دستیابی به شناخت علمی از مکان‌های جغرافیای منوط به در اختیار داشتن اطلاعاتی جامع از مکان‌های مورد نظر است. این محدوده‌های جغرافیایی شامل: سطوح بین‌المللی، ملی، منطقه‌ای و محلی است و لازمه گام برداشتن در این راستا شناخت وضعیت موجود هر یک از اجزاء مجموعه‌های برنامه‌ریزی اعم از کشور، استان، شهرستان و بخش و در نتیجه پی بردن به اختلافات و تفاوت‌های موجود و سیاست‌گذاری در جهت رفع و کاهش نابرابری‌ها در هر یک از اجزای این

مجموعه است (نظم فر و نادرپور، ۱۳۸۸: ۱). در این میان سطح‌بندی توسعه روشی برای سنجش توسعه مناطق است که اختلاف فضایی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مناطق را نشان می‌دهد و وضعیت آن‌ها را از نظر سطح توسعه مشخص می‌کند (شیخ بیگلر و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۹۰). اصولاً هدف از این پژوهش‌ها؛ توسعه و رفع نابرابری‌های منطقه‌ای است (قنبری، ۱۳۹۰: ۹۴)؛ بنابراین سطح‌بندی شهرستان‌های مختلف یک استان با استفاده از این تکنیک‌ها و تئوری‌ها درخور توجه است؛ زیرا با شناخت میزان برخورداری هر یک از شهرستان‌های موجود در محدوده یک استان می‌توان میزان آشفتگی توزیع امکانات و خدمات عرضه شده به مناطق مختلف را مشاهده نمود و با داشتن اطلاعات جامع و دقیق از سطح برخورداری یا محرومیت شهرستان‌ها، برنامه‌ریزی و تخصیص منابع متناسب با نیازهای هر ناحیه مقدور خواهد شد. این پژوهش جهت رسیدن به توسعه‌ای متعادل در استان؛ در پی شناخت موقعیت و چگونگی توزیع امکانات توسعه با توجه به شاخص‌های انتخابی در شهرستان‌های استان کهگیلویه و بویراحمد انجام یافته است. برای نیل به این مهم با بهره‌گیری از تکنیک‌ها، روش‌های آماری و مدل‌های تاکسونومی عددی و تاپسیس شاخص‌های مختلف بارگذاری و در پایان، درجه و میزان توسعه‌یافتگی هر یک از نواحی مشخص می‌شود. نتایج این پژوهش می‌تواند به برنامه‌ریزان و مدیران شهری کمک نماید تا با شناسایی نقاط قوت، ضعف، تهدیدها و فرصت‌های موجود قادر باشند زمین‌ه مناسب برای رشد و توسعه شهرستان‌های استان را فراهم نموده و ضمن بررسی علل محرومیت، راهکارها و سیاست‌های اصولی متناسبی را ارائه و اتخاذ نمایند.

هدف‌گذاری تحقیق: هدف از انجام این پژوهش آن است که با توجه به توزیع ناهمگونی که از لحاظ امکانات مختلف آموزشی، فرهنگی، مذهبی، سیاسی-اداری، بهداشت-درمان، زیربنایی (آب، برق، گاز)، ارتباطی و بازرگانی-خدمات، در بین شهرستان‌های استان کهگیلویه و بویراحمد وجود دارد، در قالب

نابرابری‌های منطقه‌ای کشور غنا در دوره ۱۹۹۹-۲۰۰۰ پرداخته است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که رشد اقتصادی در دوره یادشده منجر به کاهش فقر عمومی در کشور شده، اما از آنجاکه این رشد عمدتاً ناشی از صادرات کشاورزی بوده، شکاف توسعه مناطق شمالی که توان رقابت در عرصه کشاورزی را نداشته‌اند، با مناطق جنوبی بیشتر شده است. هانگ و پنگ^۳ (۲۰۱۲) تحقیقی در رابطه با صنعت توریسم در ۹ کشور آسیایی چین، هنگ‌کنگ، ژاپن، کره، مالزی، سنگاپور، تایوان، تایلند و فیلیپین با کمک تکنیک تاپسیس و با استفاده از ۱۵ شاخص انجام دادند. نتایج تحقیق آن‌ها نشان می‌دهد که کشورهای چین و ژاپن رتبه‌های اول و دوم و کشور فیلیپین رتبه آخر را در رابطه با صنعت توریسم دارند. رضایی و عطار (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان سطح‌بندی میزان برخورداری شهرستان‌های استان فارس به کمک شاخص توسعه انسانی (HDI) به تعیین سطح توسعه شهرستان‌های استان با استناد از ۲۲ شاخص اقتصادی، زیرساختی، آموزشی، بهداشتی و خدماتی پرداخته‌اند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد تفاوت‌ها و نابرابری‌های قابل توجهی در سطح توسعه‌یافتگی در استان وجود دارد. بر این اساس می‌توان گفت که در استان فارس شهرستان توسعه‌یافته به لحاظ مجموع شاخص‌های مورد مطالعه وجود ندارد و شاخص‌های آموزشی و زیرساختی در شرایط مطلوب‌تر از شاخص‌های دیگر قرار دارد. پورمحمدی و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان تحلیل توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان کرمانشاه به کمک مدل تاپسیس و با استفاده از ۱۷ شاخص بهداشتی-درمانی، فرهنگی-اجتماعی، گردشگری، مذهبی و زیرساختی و با بهره‌گیری از منابع آماری سال ۱۳۸۸ به سنجش توسعه‌یافتگی ۱۴ شهرستان استان کرمانشاه پرداخته است. نتایج این پژوهش نشان‌دهنده این است که شهرستان قصر شیرین نسبت به دیگر شهرستان‌ها توسعه‌یافته‌ترین و شهرستان سقز، جوانرود، گیلان غرب، ثلاث و باباجانی، هرسین، سرپل ذهاب، کنگاور، اسلام‌آباد غرب و

برنامه‌ریزی توسعه و با استفاده از تکنیک‌های تاکسونومی عددی و تاپسیس به تعیین درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان، پرداخته شود و از این طریق تصویر شفافی از امکانات موجود در شهرستان‌های مختلف استان ارائه گردد تا به این ترتیب گامی در جهت بهبود و ارتقاء امکانات در شهرستان‌های استان برداشته شود.

روش‌شناسی تحقیق: نوع پژوهش، کاربردی- توسعه‌ای است، روش بررسی آن توصیفی- تحلیلی و برای تحلیل داده‌ها و ترسیم نقشه از نرم‌افزارهای Excel و Arc GIS استفاده شده است. جامعه آماری تحقیق ۸ شهرستان استان کهگیلویه و بویراحمد است. داده‌های خام مورد نیاز تحقیق از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و اغلب از نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ و سالنامه آماری سال ۱۳۹۲ استان کهگیلویه و بویراحمد گرفته شده است. شاخص‌های این پژوهش عبارت‌اند از: شاخص‌های آموزشی، فرهنگی- ورزشی، مذهبی، سیاسی- اداری، زیربنایی، بهداشتی- درمانی، بازرگانی- خدمات و حمل‌ونقل- ارتباطات که با استفاده از روش‌های تاکسونومی عددی و تاپسیس به سنجش درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌ها و در نهایت رتبه‌بندی آن‌ها مبادرت می‌گردد.

مروری بر پیشینه تحقیق: باهاتیا و رای^۱ (۲۰۰۴) با استفاده از ۲۳ شاخص و به کمک روش‌های تحلیل عاملی و تاکسونومی عددی به تعیین سطح توسعه ۳۸۰ بلوک در ۳۲ منطقه از هند در سال ۲۰۰۱ پرداخته‌اند. نتایج تحقیق آن‌ها گویا این است که ۵۶ بلوک توسعه‌یافته، ۱۵۶ بلوک به نسبت توسعه‌یافته، ۱۱۶ بلوک کمتر توسعه‌یافته و ۵۲ بلوک توسعه‌نیافته است. شارما (۲۰۰۴) در پژوهشی به بررسی مناطق مختلف ایالت براهما پرتوای در هند پرداخته است. نتایج پژوهش وی نشان می‌دهد که تفاوت در بهره‌وری نیروی انسانی، عامل اصلی بروز نابرابری‌های منطقه‌ای است. الحسن^۲ (۲۰۰۷) در پژوهشی به بررسی

1. Bhatia & Rai
2. Sharma

3. Huang & peng

روش ویکور پرداختند. نتایج این تحقیق حاکی از وجود نابرابری، اختلاف و عدم تعادل در منطقه مورد مطالعه است به طوری که استان تهران با امتیاز نهایی ۰/۰۱۸۴ (بسیار برخوردار) و استان قزوین با امتیاز نهایی ۰/۰۸۵۹ (محروم) به ترتیب در سطوح اول و آخر قرار گرفتند.

مبانی نظری تحقیق

واژه توسعه در لغت به معنای آشکار، ظاهر، باز، آزاد و شکوفا کردن است (آکسفورد، ۲۰۰۷). در جنبه نظری، توسعه یافتگی بدین معناست که افراد و گروه‌های اجتماعی یک کشور قادر به تعیین سرنوشت خویش شوند و بتوانند اهداف ملی را با انتخابی آگاهانه بر اساس شرایط و امکانات خویش به پیش برند، بدون اینکه در مناسبات و روابط خود با مشکلاتی چون بحران، استثمار، وابستگی و سلطه مواجه شوند، البته چنین جامعه‌ای آرمانی است و باید دانست که تاکنون هیچ جامعه‌ای به این توسعه ناب دست نیافته است (کاکا دزفولی و ملکی، ۱۳۹۴: ۱۱۲). به طور کلی توسعه یک جریان چندبعدی است و زیر بخش‌های متعددی چون اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و ... دارد که شاخص‌هایی برای اندازه‌گیری هر کدام به وجود آمده است (تقوایی و صبوری، ۱۳۹۱: ۵۳-۵۴). در توسعه هدف، بهبود شرایط موجود و حرکت در مسیر مطلوب جهت رفاه است و کوششی است برای ایجاد تعادلی تحقق نیافته یا راه‌حلی است در جهت رفع فشارها و مشکلاتی که پیوسته بین بخش‌های مختلف زندگی اجتماعی و انسانی وجود دارد (Storper, 2006: 20).

در گذشته، تنها رشد اقتصادی یک جامعه مورد توجه قرار می‌گرفت و منظور از آن افزایش تولید ناخالص ملی آن جامعه بود، اما توسعه مفهومی فراتر از رشد اقتصادی دارد. توسعه فرایندی است که در آن یک سری تحولات و تغییرات بنیادی در ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه به وقوع می‌پیوندد. بدین ترتیب می‌توان انتظار داشت که همراه با توسعه رشد اقتصادی حاصل شود، اما رشد اقتصادی ممکن است

دالاهو، جزء محروم‌ترین شهرستان‌های استان هستند. قائد رحمتی و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی به تحلیل شاخص‌های توسعه و سطح‌بندی دهستان‌های استان یزد با استفاده از روش تحلیل عاملی پرداخته‌اند. بر اساس نتایج این تحقیق، دهستان‌های استان یزد از لحاظ سطح توسعه‌یافتگی، تعادل مناسبی نداشتند. در بین این دهستان‌ها، شیرکوه، میانکوه و فجر، بیشترین سطح توسعه‌یافتگی و دستگردان، فراغه، مهرآباد، بهادران، اسفندار و چلگه، دارای پایین‌ترین سطح توسعه‌یافتگی هستند. نظم فر و پادروندی (۱۳۹۲) در پژوهشی تحت عنوان بررسی و تحلیل سطح برخورداری شهرستان‌های استان چهارمحال و بختیاری از شاخص‌های توسعه با استفاده از مدل تاپسیس فازی و بر اساس ۱۱ مؤلفه مختلف در قالب ۵۰ شاخص به بررسی نابرابری‌های موجود در بین شهرستان‌های استان پرداخته‌اند. نتایج تحقیق آن‌ها نشان می‌دهد که در بین شهرستان‌های استان؛ شهرگرد و بُروجن در رده شهرستان‌های برخوردار، اردل، فارسان و کوه‌رنگ در رده نیمه برخوردار و لُردگان در رده شهرستان‌های محروم قرار گرفته‌اند. نظم فر و علی بخشی (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان سنجش میزان برخورداری شهرستان‌های استان خوزستان از شاخص‌های توسعه با استفاده از تکنیک ادغام (تاکسونومی، ویکور و تاپسیس) و به کمک ۷۱ متغیر نرم‌سازی شده به تحلیل و سنجش درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان پرداخته‌اند. نتایج تحقیق آن‌ها نشان می‌دهد که اختلاف چشمگیری میان سطوح توسعه در این استان وجود دارد، به طوری که شهرستان‌های هفتکل، ایذه، رامشیر، دزفول، آبادان، دشت آزادگان، بندر ماهشهر، شوش، خرمشهر، شادگان، اندیکا، هویزه و گتوند از مدار توسعه فاصله زیادی دارند. میره ای و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان تحلیلی بر نابرابری‌های توسعه بهداشتی و سلامت در منطقه البرز جنوبی به بررسی و سنجش میزان توسعه یافتگی استان‌های منطقه البرز جنوبی در بخش بهداشت و درمان با تأکید بر برنامه‌ریزی و توسعه منطقه‌ای با استفاده از

فضایی را اغلب با مراجعه به قانون مبادله نابرابر توضیح می‌دهد. پرتفردارترین دیدگاه در این زمینه که توسط گالور^۷ ارائه شده است بیان می‌کند که نابرابری نه تنها نتیجه رشد اقتصادی است، بلکه نقش مهمی در تبیین الگوی رشد ایفا می‌کند (محمودزاده و علمی، ۱۳۹۱: ۱۳۴). اقتصاددانان نئوکلاسیک معتقدند که نابرابری‌های ناحیه‌ای یک پدیده موقت است (Liao and wei, 2012: 72) و نابرابری‌های ناحیه‌ای را به‌عنوان یک پدیده زودگذر و مرحله اجتناب‌ناپذیر برای تعادل نهایی در نظر می‌گیرند (Li, 2010: 304).

معرفی محدوده مورد مطالعه

استان کهگیلویه و بویراحمد یکی از ۳۱ استان کشور جمهوری اسلامی ایران است که در جنوب غربی کشور و بین مختصات جغرافیایی ۲۹ درجه و ۵۶ دقیقه تا ۴۹ درجه و ۵۳ دقیقه عرض شمالی و ۵۱ درجه و ۵۳ دقیقه طول شرقی از نصف‌النهار گرینویچ واقع شده است. این استان ۱۵۵۰۴ کیلومتر مربع مساحت دارد. کهگیلویه و بویراحمد از جهت غرب و شمال غربی با استان خوزستان، شرق با استان‌های اصفهان و چهارمحال و بختیاری، از جنوب و جنوب شرق با فارس و از سمت جنوب غربی با استان بوشهر همسایه است. کهگیلویه و بویراحمد در سال ۱۳۹۲ دارای ۸ شهرستان به نام‌های بویراحمد، کهگیلویه، گچساران، دنا، بهمئی، چرام، باشت و لنده، ۱۷ شهر، ۴۵ دهستان، ۱۹ بخش و ۲۲۳۹ آبادی داشت که از این تعداد ۱۶۷۴ آبادی دارای سکنه بوده است. در بین شهرستان‌های استان؛ بویراحمد با مساحت ۴۲۵۶ کیلومتر مربع و لنده با مساحت ۵۴۴ کیلومتر مربع به ترتیب بیشترین و کمترین مساحت را دارند. جمعیت استان در سال ۱۳۹۲ به ۶۵۸۶۲۹ نفر بالغ گردیده است که از این تعداد ۵۲/۶۲ درصد در نقاط شهری و ۴۷/۳۷ درصد در نقاط روستایی ساکن بوده‌اند. شهرستان بویراحمد با ۲۵۲۷۴۶ نفر و باشت با ۲۰۶۹۹ نفر، به ترتیب بیشترین و کمترین جمعیت را در خود جای داده‌اند (سالنامه آماری، ۱۳۹۲).

توسعه به بار نیاورد (اطاعت و موسوی، ۱۳۹۰: ۷۴). در تحلیل و تبیین توسعه و توسعه‌نیافتگی، نظریه‌های مختلفی از جمله نظریه اقتصادی رشد و توسعه، نظریه جامعه‌شناختی نوسازی، نظریه‌های مارکسیست و نئومارکسیست، پسا ساختارگرایی، پساتوسعه‌گرایی، پسااستعمارگرایی و هم چنین نظریه توسعه طرفداری از حقوق زنان وجود دارد که در سطح جهانی و ملی به تبیین توسعه می‌پردازد. نظریه نوسازی، وابستگی و نئوکلاسیک از مشهورترین نظریه‌ها در این زمینه هستند (رضوانی، ۱۳۸۲: ۷۸). مطالعه هر یک از این دیدگاه‌ها نشان می‌دهد که هدف هر یک از آن‌ها، بررسی و تحلیل عواملی است که در ایجاد و شکل‌گیری نابرابری‌ها و عدم تعادل‌های موجود در کشورها و مناطق مختلف مؤثرند (قائدرحمتی و دیگران، ۱۳۹۲: ۵۶).

یکی از دیدگاه‌های نظری که تمرکز خود را معطوف به چگونگی بروز نابرابری فضایی و عواقب آن نموده است، دیدگاه نهائون^۵ است که متکی به اصول نئوکلاسیک تعادل اقتصادی است. این رهیافت، همراه با توسعه اقتصادی و انسجام بازار عوامل، نابرابری فضایی نیز کاهش می‌یابد. درحالی‌که نهادگرایان^۶ نابرابری فضایی را ناشی از عملکرد بازار سرمایه‌داری می‌دانند، این دیدگاه برخلاف رهیافت قبلی نگاه خوش‌بینانه‌ای به نقش بازار در کاهش نابرابری فضایی ندارد و به همین جهت مداخله دولت را جهت نیل به توازن منطقه‌ای ضروری می‌داند. در سوی دیگر، دیدگاه‌های رادیکال قرار دارند. یکی از آن‌ها، دیدگاه مارکسیستی است که به دنبال کشف قوانین حاکم بر اشکال فضایی، توسعه سرمایه‌داری است. با این نگاه، سازمان فضایی تظاهر منطقی نظام اقتصاد سیاسی جامعه است. نظریه دیگر در این مجموعه، نظریه وابستگی است.

نظریه‌پردازان وابستگی، نابرابری فضایی را در کشورهای پیرامونی اغلب در ارتباط با مفهوم استعمار درونی مطرح می‌کنند. از نظر آنان مستعمره درونی، جامعه‌ای در یک جامعه است که اعضای آن صرف‌نظر از تفاوت‌هایشان قربانی این نوع نابرابری هستند و نابرابری

1. Marginality Approach
2. Institutionalism Approach

جدول ۱: ویژگی‌های جمعیتی شهرستان‌های استان کهگیلویه و بویراحمد بر اساس تقسیمات کشوری

ردیف	شهرستان	مساحت	جمعیت	شهرنشین	روستانشین	غیر ساکن	بخش	شهر	دهستان
۱	بویراحمد	۴۲۵۶	۲۵۲۷۴۶	۱۲۳۸۹۸	۱۲۸۷۹۳	۵۵	۴	۵	۱۱
۲	کهگیلویه	۲۸۰۵	۱۳۲۳۲۸	۷۰۷۰۹	۶۱۵۲۱	۹۸	۴	۴	۱۰
۳	گچساران	۳۱۳۱	۱۱۹۲۱۷	۹۱۷۳۹	۲۶۲۸۳	۱۱۹۵	۱	۱	۴
۴	دنا	۱۱۰۱	۴۳۰۶۵	۹۷۰۳	۳۳۳۶۲	۰	۲	۲	۴
۵	بهمنی	۱۳۱۷	۳۷۰۴۸	۱۷۰۰۷	۲۰۰۴۱	۰	۲	۱	۴
۶	چرام	۱۲۹۵	۳۲۱۵۹	۱۴۷۹۱	۱۷۳۵۵	۱۳	۲	۱	۴
۷	باشت	۱۰۵۵	۲۰۶۹۹	۹۲۶۶	۱۱۳۰۹	۱۲۴	۲	۱	۴
۸	لنده	۵۴۴	۲۱۳۶۷	۱۱۶۷۰	۹۶۹۷	۰	۲	۲	۴

منبع: (سالنامه آماری سال، ۱۳۹۲)

مورد استفاده قرار گرفته است. در این پژوهش از ۸ شاخص: آموزشی، فرهنگی - ورزشی، مذهبی، سیاسی - اداری، زیربنایی (آب، برق، گاز)، بهداشتی - درمانی، بازرگانی - خدمات و حمل و نقل - ارتباطات برای ارزیابی سطح توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان کهگیلویه و بویراحمد، استفاده شده است.

شاخص‌های مورد مطالعه: آنچه یک منطقه را نسبت به منطقه دیگر مزیت و برتری می‌بخشد برخورداري و بهره‌مندی از عوامل و امکانات زندگی مناسب در آن منطقه است. در این راستا آمار و اطلاعات مربوط به شاخص مورد نظر بر اساس سرشماری نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۰ و سالنامه آماری ۱۳۹۲ جمع‌آوری و

جدول ۲: معرفی شاخص‌های مورد مطالعه

شاخص	زیرمجموعه
آموزشی	روستا - مهد، دبستان، مدرسه راهنمایی شبانه‌روزی پسرانه، مدرسه راهنمایی شبانه‌روزی دخترانه، مدرسه راهنمایی پسرانه، مدرسه راهنمایی دخترانه، دبیرستان مختلط، دبیرستان شبانه‌روزی پسرانه، دبیرستان شبانه‌روزی دخترانه، دبیرستان نظری پسرانه، دبیرستان نظری دخترانه، دبیرستان کار و دانش پسرانه، دبیرستان کار و دانش دخترانه، هنرستان فنی و حرفه‌ای پسرانه، هنرستان فنی و حرفه‌ای دخترانه.
فرهنگی - ورزشی	بوستان، کتابخانه عمومی، زمین ورزشی، سالن ورزشی.
مذهبی	مسجد، امام‌زاده، سایر اماکن مذهبی مسلمانان، اماکن مذهبی سایر ادیان، مدرسه علمیه، دارالقرآن، امام جماعت راتب، خانه عالم.
سیاسی - اداری	شورای اسلامی روستا، دهیار، پاسگاه نیروی انتظامی، مرکز خدمات جهاد کشاورزی، مروج کشاورزی، شورای حل اختلاف، شرکت تعاونی روستایی.
زیربنایی	شبکه سراسری برق، موتوربرق دیزلی، انرژی نو (خورشیدی، بادی و...)، گاز لوله‌کشی، آب‌لوله‌کشی، سامانه تصفیه آب.
بهداشتی - درمانی	حمام عمومی، مرکز بهداشتی درمانی، داروخانه، خانه بهداشت، پایگاه بهداشت روستایی، مرکز تسهیلات زایمان، پزشک خانواده، پزشک، دندان‌پزشک یا بهداشت کار دهان و دندان، دندان‌پزشک تجربی یا دندان‌ساز، بهیار یا مامای روستایی، بهورز، دامپزشک، تکنسین دامپزشکی، آزمایشگاه و رادیولوژی، غسالخانه، سامانه جمع‌آوری زباله.
بازرگانی - خدماتی	پایگاه آتش‌نشانی، نمایندگی پخش نفت سفید، نمایندگی پخش سیلندر گاز، فروشگاه تعاونی، بقالی، نانوا، گوشت‌فروشی، قهوه‌خانه، بانک، تعمیرگاه ماشین‌آلات کشاورزی، تعمیرگاه ماشین‌آلات غیر کشاورزی، جایگاه سوخت.
حمل و نقل - ارتباطات	صندوق پست، دفتر پست، دفتر مخابرات، دفتر فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) روستایی، دسترسی عمومی به اینترنت، دسترسی به روزنامه و مجله، دسترسی به وسیله نقلیه عمومی، دسترسی به ایستگاه راه‌آهن.

(مأخذ: سرشماری سال ۱۳۹۰ و سالنامه آماری ۱۳۹۲)

آنالیز تاکسونومی برای طبقه‌بندی‌های مختلف علوم به کار برده می‌شود. نوع خاص آن تاکسونومی عددی است که از معتبرترین و بهترین روش‌های درجه‌بندی مناطق از لحاظ توسعه و تعیین میزان کیفیت دسترسی مناطق به امکانات مختلف است. این روش برای اولین بار توسط آندرسون در سال ۱۷۶۳ میلادی پیشنهاد شد (زیاری، ۱۳۸۰: ۱۱۱). در تحقیق حاضر با استفاده از ۸ شاخص توسعه و طی هشت مرحله به درجه‌بندی مناطق از لحاظ توسعه‌یافتگی پرداخته شد.

مرحله اول: تشکیل ماتریس داده‌ها (X): در این مرحله داده‌های مورد نیاز استخراج می‌شود و در ماتریسی که سطرهای آن را شهرستان‌ها و ستون‌های آن را شاخص‌های توسعه تشکیل داده است، قرار می‌گیرند و سپس میانگین و انحراف معیار هر ستون را حساب می‌کنیم.

$$S_i = \frac{\sqrt{\frac{\sum X_i - \bar{X}}{N}}}{\bar{X}} = \frac{\sum X_i}{N}$$

جدول ۳: ماتریس داده‌ها

شهرستان	آموزشی	فرهنگی	مذهبی	اداری	زیر بنایی	بهداشتی	خدماتی	ارتباطی
بویراحمد	۵۹۷	۲۴	۱۶۴	۳۶۶	۱۰۷۴	۳۵۴	۳۹۱	۳۱۸
کهگیلویه	۴۲۲	۱۶	۱۷۱	۳۲۳	۷۷۷	۲۵۰	۲۱۸	۲۲۷
گچساران	۱۲۶	۲۴	۸۹	۱۱۷	۲۱۸	۱۱۲	۸۶	۱۲۶
دنا	۲۵۴	۷	۱۰۵	۲۲۳	۴۵۷	۲۰۱	۱۷۵	۱۹۷
بهمئی	۱۸۲	۲۵	۶۳	۱۵۶	۲۸۶	۱۷۰	۱۱۹	۱۰۹
چرام	۱۳۸	۸	۶۸	۱۰۳	۲۸۰	۸۸	۱۱۸	۷۴
باشت	۱۰۹	۶	۷۶	۵۷	۲۱۱	۵۷	۵۲	۹۹
لنده	۷۲	۱	۳۶	۴۰	۱۳۴	۳۶	۳۴	۳۲
میانگین	۲۳۷/۵۰	۱۳/۸۸	۹۶/۵۰	۱۷۳/۱۳	۴۲۹/۶۳	۱۵۸/۵۰	۱۴۹/۱۳	۱۴۷/۷۵
انحراف معیار	۱۸۲/۳۹	۹/۵۸	۴۸/۱۸	۱۲۰/۵۵	۳۲۹/۴۲	۱۰۷/۵۵	۱۱۴/۹۳	۹۳/۲۶

منبع: سرشماری سال ۱۳۹۰ و سالنامه آماری ۱۳۹۲

جدول ۴: ماتریس استاندارد

شهرستان	آموزشی	فرهنگی	مذهبی	اداری	زیر بنایی	بهداشتی	خدماتی	ارتباطی
بویراحمد	۱/۹۷	۱/۰۶	۱/۴۰	۱/۶۰	۱/۹۶	۱/۸۲	۲/۱۰	۱/۸۳
کهگیلویه	۱/۰۱	۰/۲۲	۱/۵۵	۱/۲۴	۱/۰۵	۰/۸۵	۰/۶۰	۰/۸۵
گچساران	-۰/۶۱	۱/۰۶	-۰/۱۶	-۰/۴۷	-۰/۶۴	-۰/۴۳	-۰/۵۵	-۰/۲۳
دنا	۰/۰۹	-۰/۷۲	۰/۱۸	۰/۴۱	۰/۰۸	۰/۴۰	۰/۲۳	۰/۵۳
بهمئی	-۰/۳۰	۱/۱۶	-۰/۷۰	-۰/۱۴	-۰/۴۴	۰/۱۱	-۰/۲۶	-۰/۴۲
چرام	-۰/۵۵	-۰/۶۱	-۰/۵۹	-۰/۵۸	-۰/۴۵	-۰/۶۶	-۰/۲۷	-۰/۷۹
باشت	-۰/۷۰	-۰/۸۲	-۰/۴۳	-۰/۹۶	-۰/۶۶	-۰/۹۴	-۰/۸۵	-۰/۵۲
لنده	-۰/۹۱	-۰/۳۴	-۱/۲۶	-۱/۱۰	-۰/۹۰	-۱/۱۴	-۱/۰۰	-۱/۲۴

منبع: نگارندگان

اعداد به دست آمده را به صورت افقی به توان ۲ رسانده، باهم جمع می‌کنیم و سپس جذر آن‌ها را می‌گیریم که در نهایت فاصله هر شهرستان از شهرستان بعدی به دست می‌آید (همان، ۹۶).

$$\begin{aligned} D11 - D21 = A \quad D12 - D22 = B \quad D13 - D23 = C \\ D11 - D31 \quad D12 - D32 \quad D13 - D33 \\ DAB = \sqrt{A^2 + B^2 + C^2} \end{aligned}$$

مرحله چهارم: ماتریس فواصل؛ در این مرحله با توجه به فواصل مرکب شهرستان‌ها، ماتریس فواصل را رسم می‌کنیم.

مرحله پنجم: تعیین کوتاه‌ترین فاصله، در این مرحله با توجه به ماتریس فواصل، کوتاه‌ترین عدد هر ردیف افقی را پیدا می‌کنیم (همان، ۹۸).

مرحله دوم: تبدیل ماتریس داده‌ها (X) به ماتریس استاندارد (Z)؛ از ویژگی‌های ماتریس استاندارد این است که انحراف معیار هر ستون برابر با یک و میانگین هر ستون برابر با صفر است (زیاری، ۱۳۸۰: ۹۵).

$$\frac{x_i - \bar{x}}{S_i}$$

مرحله سوم: محاسبه فواصل مرکب بین شهرستان‌ها؛ در این مرحله ابتدا فاصله هر شهرستان را نسبت به شهرستان‌های دیگر (دوبه‌دو) در مورد هر یک از شاخص‌ها پیدا می‌کنیم، به این صورت که ابتدا داده ستون اول را از داده ستون دوم کم می‌کنیم و سپس داده ستون اول را از داده ستون سوم کم می‌کنیم و این روند را ادامه می‌دهیم تا به انتهای ستون برسیم و این کار را برای تمام ستون‌ها انجام می‌دهیم. سپس

جدول ۵: ماتریس فواصل

شهرستان	بویراحمد	کهگیلویه	گچساران	دنا	بهمئی	چرام	باشت	لنده	فاصله
بویراحمد	۰/۰۰	۲/۵۹	۶/۰۴	۴/۵۱	۵/۶۵	۶/۵۰	۷/۰۲	۸/۰۲	۲/۵۹
کهگیلویه	۲/۵۹	۰/۰۰	۴/۰۲	۲/۳۹	۳/۸۳	۴/۳۶	۴/۷۹	۵/۸۵	۲/۳۹
گچساران	۶/۰۴	۴/۰۲	۰/۰۰	۳/۶۳	۰/۹۷	۱/۸۶	۲/۰۷	۳/۰۴	۰/۹۷
دنا	۴/۵۱	۲/۳۹	۲/۶۳	۰/۰۰	۲/۵۰	۲/۳۲	۲/۷۴	۳/۷۰	۲/۳۲
بهمئی	۵/۵۶	۳/۸۳	۰/۹۷	۲/۵۰	۰/۰۰	۲/۰۳	۲/۵۲	۳/۳۰	۰/۹۷
چرام	۶/۵۰	۴/۳۶	۱/۸۶	۲/۳۲	۲/۰۳	۰/۰۰	۰/۸۸	۱/۶۰	۰/۸۸
باشت	۷/۰۲	۴/۷۹	۲/۰۷	۲/۷۴	۲/۵۲	۰/۸۸	۰/۰۰	۱/۲۹	۰/۸۸
لنده	۸/۰۲	۵/۸۵	۳/۰۴	۳/۷۰	۳/۳۰	۱/۶۰	۱/۲۹	۰/۰۰	۱/۲۹

منبع: نگارندگان

بین شهرستان‌ها همگنی برقرار است و هیچ شهرستانی بالا و یا پایین این دو حد قرار ندارد.

مرحله هفتم: محاسبه سرمشق توسعه (Cio)؛ برای اجرا این مرحله در ابتدا از کار ماتریس استاندارد (Z) بزرگ‌ترین عدد هر ستون را به‌عنوان مقدار ایده آل (D0) هر ستون در نظر می‌گیریم و در ادامه اعداد ماتریس استاندارد را از مقدار ایده آل آن ستون کم می‌کنیم و سپس حاصل را به توان ۲ می‌رسانیم و این کار را برای تمام اعداد آن ماتریس انجام می‌دهیم. سپس اعداد را به صورت افقی باهم جمع کرده، جذر آن‌ها را می‌گیریم و تحت عنوان ستون Cio نام‌گذاری می‌نماییم (همان، ۱۰۰).

$$cio = \sqrt{\sum (Di - D0)^2}$$

مرحله هشتم: پیدا کردن شهرستان‌های همگن؛ برای این کار ابتدا باید فواصل حد بالا (d) و حد پایین (d) را طبق فرمول زیر به دست می‌آوریم. اگر حداقل فاصله هر شهرستان از شهرستان دیگر در محدوده (d+) و (d-) قرار گرفت، همگنی برقرار است (همان، ۹۹).

۱/۵۴	میانگین
۰/۷۶	انحراف معیار
۳/۰۵	D+
۰/۰۲	D-

$$d_{\pm} = \bar{d} \pm 2sd$$

بر طبق فرمول بالا d میانگین کوتاه‌ترین فاصله است که در جدول ماتریس فواصل نوشته شده است و SD هم انحراف معیار این ستون است. در این تحقیق

بر اساس این فرمول C_{io} سرمشق توسعه است که در مرحله قبل آن را حساب نمودیم. C_o حد بالای سرمشق توسعه است که برای احتساب آن ابتدا میانگین و انحراف معیار ستون C_{io} را به دست می‌آوریم، سپس بر اساس فرمول زیر آن را حساب می‌کنیم:

$$C_o = C_{io} + 2s_{io}$$

درجه توسعه‌یافتگی (F_i) بین صفر و یک است و $0 < F_i < 1$ ، هرچقدر به صفر نزدیک‌تر باشد، شهرستان توسعه‌یافته‌تر و هرچقدر به یک نزدیک‌تر باشد، دلیل بر عدم توسعه شهرستان است (همان، ۱۰۱).

طبق فرمول بالا C_{io} سرمشق توسعه، D_i اعداد موجود در ماتریس استاندارد و D_o عدد ایده‌آل هر ستون است. بر این اساس هرچقدر میزان C_{io} کوچک‌تر باشد، دلیل بر توسعه‌یافتگی هر شهرستان و هرچقدر میزان C_{io} بیشتر باشد، دلیلی بر عدم توسعه شهرستان است.

مرحله هشتم: محاسبه درجه توسعه (F_i) شهرستان‌ها که طبق فرمول زیر به دست می‌آید.

$$F_i = \frac{C_{io}}{C_o}$$

جدول ۶: سرمشق و درجه توسعه

ردیف	شهرستان	سرمشق توسعه	درجه توسعه	رتبه
۱	بویراحمد	۰/۱۸	۰/۰۲	۱
۲	کهگیلویه	۲/۶۳	۰/۲۵	۲
۳	دنا	۴/۵۹	۰/۴۵	۳
۴	بهمنی	۵/۷۰	۰/۵۵	۴
۵	گچساران	۶/۰۸	۰/۵۹	۵
۶	چرام	۶/۵۷	۰/۶۴	۶
۷	باشت	۷/۰۹	۰/۶۹	۷
۸	لنده	۸/۱۰	۰/۷۹	۸

منبع: نگارندگان

مرحله دوم: به دست آوردن ماتریس بی‌مقیاس موزون (V)؛ ماتریس بی‌مقیاس شده (N) را در ماتریس قطری وزن‌ها ($W_{N \times N}$) ضرب می‌کنیم. برای به دست آوردن اوزان شاخص‌ها نیز از تکنیک آنتروپی شانون استفاده می‌کنیم که به‌صورت زیر به دست می‌آید:

گام اول: محاسبه p_{ij}

$$p_{ij} = \frac{a_{ij}}{\sum_{i=1}^m a_{ij}}$$

گام دوم: محاسبه مقدار آنتروپی

$$E_j = -k \sum_{i=1}^m (p_{ij} \ln p_{ij})$$

K مقدار ثابتی است که به‌منظور این که E_j بین صفر و یک باشد به کار می‌رود و به‌صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$k = \frac{1}{\ln(m)}$$

تاپسیس: مدل تاپسیس اولین بار توسط هوانگ و یون^۸ در سال ۱۹۸۱ پیشنهاد شد. این مدل به‌عنوان یک تکنیک تصمیم‌گیری چند شاخصه جبرانی بسیار قوی، برای اولویت‌بندی گزینه‌ها از طریق شبیه نمودن به جواب ایده‌آل است که به تکنیک وزن دهی، حساسیت بسیار کمی داشته، پاسخ‌های حاصل از آن تغییر عمیقی نمی‌کند. در این روش، گزینه انتخاب‌شده باید کوتاه‌ترین فاصله را از جواب ایده‌آل و دورترین فاصله را از ناکارآمدترین جواب داشته باشد.

مرحله اول: کمی کردن و بی‌مقیاس سازی ماتریس تصمیم (N)؛ ابتدا ماتریس داده‌ها را تشکیل و در ادامه برای بی‌مقیاس سازی از نورم استفاده می‌شود.

$$n_{ij} = \frac{a_{ij}}{\sqrt{\sum_{i=1}^m a_{ij}^2}}$$

جدول ۷: بی مقیاس سازی داده‌ها

شهرستان	آموزشی	فرهنگی	مذهبی	اداری	زیر بنایی	بهداشتی	خدماتی	ارتباطی
نورم	۸۲۷/۱	۴۶/۷	۳۰/۱۲	۵۸۴/۴	۱۴۹۵/۴	۵۳۱/۰	۵۲۰/۰	۴۸۵/۳
بویراحمد	۰/۷۲۲	۰/۵۱۴	۰/۵۴۴	۰/۶۲۶	۰/۷۱۸	۰/۶۶۷	۰/۷۵۲	۰/۶۵۵
کهگیلویه	۰/۵۱۰	۰/۳۴۲	۰/۵۶۸	۰/۵۵۳	۰/۵۲۰	۰/۴۷۱	۰/۴۱۹	۰/۴۶۸
گچساران	۰/۱۵۲	۰/۵۱۴	۰/۲۹۵	۰/۲۰۰	۰/۱۴۶	۰/۲۱۱	۰/۱۶۵	۰/۲۶۰
دنا	۰/۳۰۷	۰/۱۵۰	۰/۳۴۹	۰/۳۸۲	۰/۳۰۶	۰/۳۷۹	۰/۳۳۷	۰/۴۰۶
بهمنی	۰/۲۲۰	۰/۵۳۵	۰/۲۰۹	۰/۲۶۷	۰/۱۹۱	۰/۳۲۰	۰/۲۲۹	۰/۲۲۵
چرام	۰/۱۶۷	۰/۱۷۱	۰/۲۲۶	۰/۱۷۶	۰/۱۸۷	۰/۱۶۶	۰/۲۲۷	۰/۱۵۲
باشت	۰/۱۳۲	۰/۱۲۸	۰/۲۵۲	۰/۰۹۸	۰/۱۴۱	۰/۱۰۷	۰/۱۰۰	۰/۲۰۴
لنده	۰/۰۸۷	۰/۰۲۱	۰/۱۲۰	۰/۰۶۸	۰/۰۹۰	۰/۰۶۸	۰/۰۶۵	۰/۰۶۶

منبع: نگارندگان

جدول ۸: ماتریس بی مقیاس موزون

شهرستان	آموزشی	فرهنگی	مذهبی	اداری	زیر بنایی	بهداشتی	خدماتی	ارتباطی
اوزان (W)	۰/۱۴	۰/۱۵	۰/۰۷	۰/۱۳	۰/۱۴	۰/۱۲	۰/۱۴	۰/۱۱
بویراحمد	۰/۱۰۲	۰/۰۷۵	۰/۰۳۶	۰/۰۸۲	۰/۱۰۱	۰/۰۸۳	۰/۱۰۹	۰/۰۷۰
کهگیلویه	۰/۰۷۲	۰/۰۵۰	۰/۰۳۷	۰/۰۷۲	۰/۰۷۳	۰/۰۵۸	۰/۰۶۱	۰/۰۵۰
گچساران	۰/۰۲۲	۰/۰۷۵	۰/۰۱۹	۰/۰۲۶	۰/۰۲۰	۰/۰۲۶	۰/۰۲۴	۰/۰۲۸
دنا	۰/۰۴۳	۰/۰۲۲	۰/۰۲۳	۰/۰۵۰	۰/۰۴۳	۰/۰۴۷	۰/۰۴۹	۰/۰۴۳
بهمنی	۰/۰۳۱	۰/۰۷۸	۰/۰۱۴	۰/۰۳۵	۰/۰۲۷	۰/۰۴۰	۰/۰۳۳	۰/۰۲۴
چرام	۰/۰۲۴	۰/۰۲۵	۰/۰۱۵	۰/۰۲۳	۰/۰۲۶	۰/۰۲۱	۰/۰۳۳	۰/۰۱۶
باشت	۰/۰۱۹	۰/۰۱۹	۰/۰۱۶	۰/۰۱۳	۰/۰۲۰	۰/۰۱۳	۰/۰۱۴	۰/۰۲۲
لنده	۰/۰۱۲	۰/۰۰۳	۰/۰۰۸	۰/۰۰۹	۰/۰۱۳	۰/۰۰۸	۰/۰۰۹	۰/۰۰۷

منبع: نگارندگان

$$d_i^+ = \sqrt{\sum_{j=1}^n (v_{ij} - v_j^+)^2} \quad d_i^- = \sqrt{\sum_{j=1}^n (v_{ij} - v_j^-)^2}$$

مرحله پنجم: تعیین نزدیکی نسبی (CL) یک گزینه به راه‌حل ایده آل؛ مقدار آن بین صفر و یک است که هر چه این مقدار به یک نزدیک‌تر باشد، راهکار به جواب ایده آل نزدیک‌تر است.

$$cl_i = \frac{d_j^-}{d_j^- + d_j^+}$$

مرحله ششم: رتبه‌بندی گزینه‌ها؛ هر گزینه‌ای که CL آن بزرگ‌تر باشد، بهتر است.

گام سوم: محاسبه مقدار عدم اطمینان d_j

$$d_j = 1 - E_j$$

گام چهارم: محاسبه اوزان w_j

$$w_j = \frac{d_j}{\sum_{j=1}^n d_j}$$

$$V = N * W_{N \times N}$$

مرحله سوم: تعیین راه‌حل ایده آل مثبت و راه‌حل ایده آل منفی است که در بهترین مقادیر: برای شاخص‌های مثبت، بزرگ‌ترین مقادیر و برای شاخص‌های منفی، کوچک‌ترین مقادیر است و در بدترین مقادیر برای شاخص‌های مثبت، کوچک‌ترین مقادیر و برای شاخص‌های منفی، بزرگ‌ترین مقادیر است.

مرحله چهارم: به دست آوردن میزان فاصله هر گزینه تا ایده آل‌های مثبت و منفی

جدول ۹: تعیین ایده آل مثبت و منفی و مقدار (CI)

ردیف	شهرستان	ایده آل مثبت	ایده آل منفی	(CI)	رتبه
۱	بویراحمد	۰/۰۰۳	۰/۲۱۶	۰/۹۸	۱
۲	کهگیلویه	۰/۰۷۷	۰/۱۴۶	۰/۶۶	۲
۳	دنا	۰/۱۳۰	۰/۰۹۲	۰/۴۲	۳
۴	بهمئی	۰/۱۵۱	۰/۰۹۳	۰/۳۸	۴
۵	گچساران	۰/۱۶۸	۰/۰۸۲	۰/۳۳	۵
۶	چرام	۰/۱۷۶	۰/۰۴۳	۰/۲۰	۶
۷	باشت	۰/۱۹۶	۰/۰۲۶	۰/۱۲	۷
۸	لنده	۰/۲۱۷	۰/۰۰۰	۰/۰۰	۸

منبع: نگارندگان

یافته‌های تحقیق

بر اساس محاسبات صورت گرفته با استفاده از تکنیک تاکسونومی عددی و تاپسیس، درجه توسعه‌یافتگی هر یک از شهرستان‌های استان کهگیلویه و بویراحمد محاسبه شده است. نتایج حاصل از بررسی‌ها گویای این است که درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌ها بر اساس آنالیز تاکسونومی عددی از حداقل ۰/۰۲ تا حداکثر ۰/۷۹ و بر اساس مدل تاپسیس از حداقل ۰/۰۰ تا حداکثر ۰/۹۸ نوسان دارد. به طوری که شهرستان بویراحمد بالاترین میزان برخوردارگی و شهرستان لنده پایین‌ترین میزان برخوردارگی را در بین شهرستان‌های استان کهگیلویه و بویراحمد دارند. در ضمن لازم به توضیح است که برخوردار بودن یک شهرستان از لحاظ شاخص‌های مورد مطالعه به مفهوم بالا بودن کیفیت آن شاخص‌ها در شهرستان مورد نظر نیست، به بیانی دیگر، شهرستان‌هایی که با توجه به شاخص‌های یادشده در گروه شهرستان‌های توسعه‌نیافته قرار گرفته‌اند، صرفاً از

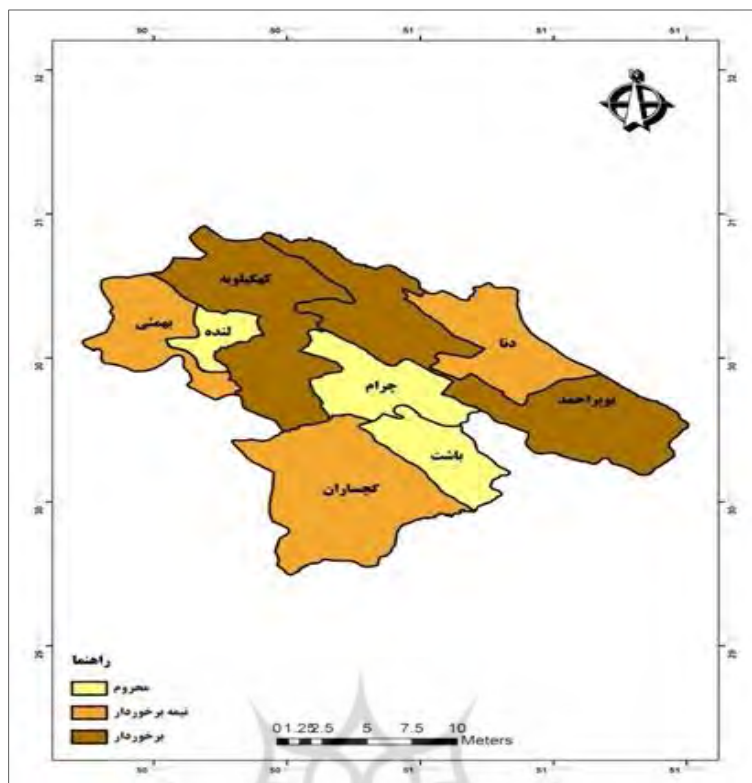
لحاظ کمی با مشکل روبرو می‌باشند. اگرچه ممکن است کیفیت شاخص‌های موردنظر در این شهرستان‌ها بالا باشد.

با مقایسه درجه توسعه‌یافتگی این شهرستان‌ها؛ وجود ناهمگنی و عدم تعادل در بین آن‌ها مشخص می‌باشد. در میان شهرستان‌های استان، ۲ شهرستان بویراحمد و کهگیلویه با ۵۸/۴۶ درصد جمعیت استان در رده شهرستان‌های برخوردار و ۳ شهرستان دنا، بهمئی و گچساران با ۳۰/۲۶ درصد جمعیت استان در رده شهرستان‌های نیمه برخوردار و در آخر ۳ شهرستان چرام، باشت و لنده با دارا بودن ۱۱/۲۶ درصد از جمعیت استان در رده شهرستان‌های محروم قرار دارند. بر این اساس اگر مرز توسعه‌یافتگی را ۰/۵۰ قرار دهیم؛ بنابراین بیشتر شهرستان‌های استان سطح توسعه پایینی دارند. تحت تأثیر عوامل مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی؛ توسعه در استان به صورت نامتوازن و قطبی است.

جدول ۱۰: سطح‌بندی شهرستان‌های استان کهگیلویه و بویراحمد بر طبق مدل تاکسونومی عددی و تاپسیس

ردیف	وضعیت توسعه	شهرستان	تعداد	درصد
۱	برخوردار	بویراحمد و کهگیلویه	۲	۲۵
۲	نیمه برخوردار	دنا، بهمئی و گچساران	۳	۳۷/۵
۳	محروم	چرام، لنده و باشت	۳	۳۷/۵
		توسعه‌یافته‌ترین	بویراحمد	
		محروم‌ترین	لنده	

منبع: نگارندگان



شکل ۱: توزیع فضایی سطوح توسعه شهرستان‌های استان کهگیلویه و بویراحمد (ترسیم: نگارندگان)

نابرابری‌ها در توزیع امکانات و محرومیت زدائی در سطح شهرستان‌های استان قرار گیرد. از طرف دیگر بینش لازم جهت بهبود و ارتقاء شهرستان‌های محروم و کمتر توسعه‌یافته را به کارشناسان برنامه‌ریزی در سطح ملی و منطقه‌ای بخشیده و امکان شفاف ترشان سیاست‌های توسعه و کاهش نابرابری‌ها را در سطح استان فراهم خواهد آورد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

بر طبق نتایج به‌دست‌آمده در تحقیق؛ روشن است که بین شهرستان‌های استان کهگیلویه و بویراحمد از نظر توسعه‌یافتگی عدم تعادل وجود دارد و شکاف میان آن‌ها کاملاً مشهود است. مسئله مهم در علل این عقب‌افتادگی رویکرد حاکم بر نظام برنامه‌ریزی در کشور طی پنجاه سال گذشته است. چون معیارهای تصمیم‌گیری با الگوی مرکز-پیرامونی صورت پذیرفته است. بیشتر امکانات توسعه در شهرهای بزرگ و به‌خصوص مراکز استان‌ها متمرکز شده است. در مقابل در مناطق دیگر استان با قطب محرومیت مواجه

فقدان سرمایه‌گذاری‌های مناسب در مناطق جنوبی و غربی استان در زمینه تأسیسات زیربنایی و زیرساخت‌ها و فعالیت‌های تولیدی و خدمات برتر در این مناطق، شکاف زیادی را میان این نواحی با شهرستان‌های بویراحمد و کهگیلویه ایجاد کرده است. بویراحمد با بیشترین وسعت و دارا بودن ۳۸/۳۷ درصد از جمعیت کل استان به‌عنوان توسعه‌یافته‌ترین شهرستان استان و لنده با کمترین وسعت و با دارا بودن ۳/۲۴ درصد از جمعیت کل استان به‌عنوان محروم‌ترین شهرستان استان معرفی شده است و در کلیه شاخص‌های مورد مطالعه دارای ضعف و کمبود می‌باشد. همچنین دیگر شهرستان‌های استان نظیر دنا، گچساران، بهمئی، چرام و باشت نیز از لحاظ بیشتر شاخص‌های توسعه دارای ضعف و نارسایی هستند.

برای تعدیل در پراکنش شاخص‌های توسعه، برنامه‌ریزی جامع توسعه مناطق با هدف ارائه الگوی مناسب را برای توزیع متعادل خدمات، جمعیت و سکونتگاه‌ها ضروری می‌نماید. نتایج حاصل از این تحقیق می‌تواند مبنای اقدامات بعدی در جهت کاهش

— ارتقاء شاخص‌های حمل‌ونقل و ارتباطات به ترتیب در شهرستان‌های لنده، باشت، گچساران، چرام و بهمئی.

منابع

۱. اطاعت، جواد. سیده زهرا موسوی. ۱۳۹۰. رابطه متقابل امنیت ناحیه‌ای و توسعه‌یافتگی فضاهای سیاسی با تأکید بر سیستان و بلوچستان، فصلنامه ژئوپولیتیک، سال هفتم، شماره یک، بهار.
۲. پوراصغر سنگاچین، فرزام. ۱۳۹۱. سنجش سطح توسعه‌یافتگی استان‌های کشور ایران با رویکرد تحلیل عاملی، مجله علمی پژوهشی آمایش سرزمین، شماره دوم، دوره چهارم.
۳. پورمحمدی، محمدرضا. بهزاد رنجبرنیا و کیومرث ملکی و آرزو شفاعتی. ۱۳۹۱. تحلیل توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان کرمانشاه، مجله علمی - تخصصی برنامه‌ریزی فضایی، شماره اول، تابستان.
۴. تقوایی، مسعود. رعنا شیخ بیگلو و حمیدرضا وارثی. ۱۳۹۰. تحلیل نابرابری‌های توسعه ناحیه‌ای در ایران، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره هفتاد و هشت.
۵. تقوایی، مسعود. محمد صبوری. ۱۳۹۱. تحلیل تطبیقی سطح و میزان توسعه‌یافتگی اجتماعی شهرستان‌های استان هرمزگان، مجله جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی، شماره ۲، تابستان.
۶. حسین زاده دلیر، کریم. ۱۳۸۰. برنامه‌ریزی ناحیه‌ای، چاپ اول، انتشارات سمت.
۷. رضایی، محمدرضا. محمدمین عطار. ۱۳۹۰. سطح بندی میزان برخورداری شهرستان‌های استان فارس به لحاظ شاخص‌های توسعه به کمک مدل HDI، فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، شماره ۴، زمستان.
۸. رضوانی، محمدرضا. ۱۳۸۲. تعیین و تحلیل برخورداری نواحی روستایی استان زنجان، فصل‌نامه پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۵۱، دانشگاه تهران.
۹. زنگی‌آبادی، علی. مهدی احمدیان و محمد کرمی. ۱۳۹۳. تحلیل فضایی شاخص‌های توسعه منطقه‌ای با بهره‌گیری از تکنیک‌های تصمیم‌گیری چند شاخصه، مورد پژوهش: استان کردستان، فصلنامه پژوهش‌های بوم‌شناسی شهری، دوره پنجم، شماره یکم.

هستیم. به‌طور کلی عوامل محرومیت و عدم توسعه‌یافتگی شهرستان‌های فوق را می‌توان: انزوای جغرافیایی، دسترسی نامناسب به نقاط پراکنده، پایین بودن سطح دانش و تخصص عمومی در جهت بهره‌برداری از امکانات موجود، حاکمیت قدرت‌های محلی در گذشته و سرانجام عدم توجه برای برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری در این نواحی در طول تاریخ و... دانست. البته تلاش‌هایی در جهت رفع محرومیت و استفاده از امکانات صورت گرفته است، اما این مناطق همچنان با مشکلات و تنگناهای اساسی روبرو هستند؛ بنابراین برنامه‌ریزی منطقه‌ای که از اهداف اولیه آن ایجاد توازن و تعادل در توسعه اجتماعی - اقتصادی مناطق مختلف است، برای این شهرستان‌ها ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. بر اساس این تحقیق که شهرستان بویراحمد دارای رتبه اول از نظر میزان توسعه‌یافتگی و شهرستان لنده رتبه آخر را به خود اختصاص داده‌اند، از این رو در برنامه‌ریزی منطقه‌ای باید شهرستان‌های محروم در اولویت نخست توسعه اجتماعی - اقتصادی و دیگر شهرستان‌ها در اولویت بعدی قرار گیرند. به این منظور جهت تقویت و کاهش نابرابری در سطح شهرستان‌های استان پیشنهادهایی ارائه می‌گردد:

- ارتقاء شاخص‌های آموزشی به ترتیب در شهرستان‌های لنده، باشت، گچساران، چرام و بهمئی.
- ارتقاء شاخص‌های فرهنگی - ورزشی به ترتیب در شهرستان‌های لنده، باشت، دناو چرام.
- ارتقاء شاخص‌های مذهبی به ترتیب در شهرستان‌های لنده، بهمئی، چرام و باشت.
- ارتقاء شاخص‌های سیاسی - اداری به ترتیب در شهرستان‌های لنده، باشت، چرام و گچساران.
- ارتقاء شاخص‌های زیربنایی (آب، برق، گاز) به ترتیب در شهرستان‌های لنده، باشت، گچساران، چرام و بهمئی.
- ارتقاء شاخص‌های بهداشتی - درمانی به ترتیب در شهرستان‌های لنده، باشت، چرام و گچساران.
- ارتقاء شاخص‌های بازرگانی - خدماتی به ترتیب در لنده، باشت، گچساران، چرام و بهمئی.

۱۰. زیاری، کرامت الله. ۱۳۸۹. سنجش درجه توسعه یافتگی شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی به روش (HDI)، مجله مدیریت، سال سوم، شماره دوازده.
۱۱. زیاری، کرامت اله. ۱۳۸۰. اصول و روش‌های برنامه‌ریزی منطقه‌ای، چاپ سوم، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۱۲. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان کهگیلویه و بویراحمد، سالنامه آماری استان کهگیلویه و بویراحمد. ۱۳۹۲.
۱۳. شیخ بیگلر، رعنا. مسعود تقوایی و حمیدرضا وارثی. ۱۳۹۱. تحلیل فضایی محرومیت و نابرابری‌های توسعه در شهرستان‌های ایران، فصل‌نامه علمی و پژوهشی رفاه اجتماعی، سال دوازدهم، شماره ۴۶.
۱۴. ضرابی، اصغر. ملیحه ایزدی و فرحناز ابوالحسنی. ۱۳۹۱. تعیین میزان برخورداری مناطق شهری اصفهان از شاخص‌های فرهنگی، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال ۲۷، شماره ۱۰۶.
۱۵. قائد رحمتی، صفر. رضا مستوفی الممالکی و مهدی براری. ۱۳۹۲. تحلیل شاخص‌های توسعه و سطح بندی دهستان‌های استان یزد، مجله جغرافیا و توسعه، شماره ۳۰.
۱۶. قنبری، ابوالفضل. ۱۳۹۰. تعیین درجه توسعه‌یافتگی و پیش‌بینی اولویت برنامه‌ریزی و توسعه نقاط شهری استان‌های ایران، فصلنامه علمی پژوهشی انجمن جغرافیای ایران، دوره‌ی جدید، سال نهم، شماره ۲۹.
۱۷. کاکا دزفولی، انیس. سعید ملکی. ۱۳۹۴. طبقه‌بندی و تحلیل درجه توسعه‌یافتگی مناطق روستایی استان خوزستان بر اساس شاخص‌های توسعه با استفاده از مدل SAW، همایش بین‌المللی جغرافیا و توسعه پایدار.
۱۸. لطفی، صدیقه. مرتضی شعبانی. ۱۳۹۲. ارائه مدلی تلفیقی جهت رتبه‌بندی توسعه منطقه‌ای مطالعه موردی: بخش بهداشت و درمان استان مازندران، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال سیزدهم، شماره ۲۸.
۱۹. محمود زاده، محمود. سیامک علمی. ۱۳۹۱. نابرابری و رشد اقتصادی در استان‌های کشور، فصل‌نامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، سال بیستم، شماره ۶۴.
۲۰. مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن استان کهگیلویه و بویراحمد. ۱۳۹۰.
۲۱. مؤمنی، منصور. ۱۳۸۹. مباحث نوین تحقیق در عملیات، انتشارات دانشگاه تهران.
۲۲. مؤمن، مهدی. ۱۳۷۷. اصول و روش‌های برنامه‌ریزی ناحیه‌ای، انتشارات گویا.
۲۳. میره ای، محمد. هادی علیوردیلو و سهراب امیریان و محمود علیوردیلو. ۱۳۹۶. تحلیلی بر نابرابری‌های توسعه بهداشتی و سلامت در منطقه البرز جنوبی، مجله آمایش جغرافیایی فضا، فصلنامه علمی - پژوهشی دانشگاه گلستان، سال هفتم، شماره مسلسل بیست و ششم، زمستان.
۲۴. نظم فر، حسین. مهدی نادرپور. ۱۳۸۸. تحلیل نابرابری‌های منطقه‌ای با استفاده از تکنیک تاکسونومی، دومین همایش علوم جغرافیایی پانزدهم مهرماه، دانشگاه پیام نور، ارومیه.
۲۵. نظم‌فر، حسین. بهزاد پادروندی. ۱۳۹۲. بررسی و تحلیل سطح برخورداری شهرستان‌های استان چهارمحال و بختیاری از شاخص‌های توسعه با استفاده از مدل تاپسیس فازی، مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، سال چهاردهم، شماره ۱۴.
۲۶. نظم فر، حسین. آمنه علی بخشی. ۱۳۹۳. شهرستان‌های استان خوزستان از شاخص‌های توسعه با استفاده از تکنیک ادغام، فصل‌نامه علمی و پژوهشی آمایش جغرافیایی فضا، سال چهارم، شماره ۱۴.
۲۷. یاسوری، مجید. ۱۳۸۸. بررسی وضعیت نابرابری منطقه‌ای در استان خراسان رضوی، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، شماره دوازده.
28. Al-Hassan, Ramat u M. 2007. Regional disparities in Ghana: policy options and public Investment implications.
29. Bhatia, V.K., and Rai, S.C. 2004. Evaluation of Socio-Economic Development in Small Areas New Dehli, UNDP, Human Development Report 1997, New York (1991).
30. Huang, J.H., and Peng, K.H. 2012. Fuzzy Rasch Model in TOPSIS: A New Approach for Generating Fuzzy Numbers to Assess the Competitiveness of the Tourism Industries in Asian Countries, Tourism Management.
31. Liao, Felix H.F., Dennis Wei, Yehua. 2012. Dynamics, space, and regional inequality in provincial China: A case study of Guangdong province, Applied Geography.

- Assam, India, Department of Geography, Gauhati University.
34. Storper M.A. Scott. 2006. The wealth of regions. Futures.
32. Li, Yingru. Dennis and Wei, Y.H. 2010. The spatial-temporal hierarchy of regional inequality of China, *Applied Geography*.
33. Sharama, Bimal. 2004. Regional disparities in agricultural labour Productivity in the Brahmaputra Valley,





پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی